



گنجشکی که نشانی «چهل و هشت» شهید را آورده بود

منطقه‌ای چند بار بین ما و عراقی‌ها، توی شلمچه دست به دست شد. نشسته بودم جلوی سنگر که گنجشکی آمد، چند متری ام روی تل خاکی نشست، بروبر نگاهم می‌کرد.

خبرگزاری فارس: منطقه‌ای چند بار بین ما و عراقی‌ها، توی شلمچه دست به دست شد. نشسته بودم جلوی سنگر که گنجشکی آمد، چند متری ام روی تل خاکی نشست، بروبر نگاهم می‌کرد. به گزارش گروه «حماسه و مقاومت« خبرگزاری فارس، شهید علیرضا خاکپور از سرداران شهید «لشکر پنج نصر خراسان« از خطه گلستان، روستای پیرواش، متولد سال 1345، از خانواده‌ای روستائی و کشاورز، متاهل، وقتی «سمانه« تنها دخترش، «هشت ماهه« بود؛ علیرضا در ششم اسفند سال «1365« در عملیات «کربلای پنج« مظلومانه شهید شد.

شهید علیرضا خاکپور؛ در دفترچه خاطراتش آورده است:

منطقه‌ای چند بار بین ما و عراقی‌ها، توی شلمچه دست به دست شد. نشسته بودم جلوی سنگر که گنجشکی آمد، چند متری ام روی تل خاکی نشست، بروبر نگاهم می‌کرد. به یکی از بچه‌ها که کنارم نشسته بود، گفتم: این گنجشک گرسنه است.

بلند شدم چند دانه نان خشک شده را بردم یک متری اش، ریختم و برگشتم.

نخورد. یکی از بچه‌ها سنگی به طرفش پرتاب کرد که، گنجشک من، برو خمپاره می‌خوری‌ها، پرید. چرخ‌زد و دوباره برگشت، همان نقطه نشست.

یکی دیگر از بچه‌ها سنگی دیگر برداشت، به طرفش پرتاب کرد. پرید و رفت، چند لحظه بعد، باز دوباره برگشت. همان نقطه نشست.

پریدم داخل سنگر، گفتم: بچه‌ها سر نیزه، یکی بیلچه آورد، یکی با سر نیزه، زدیم به زمین، چند لحظه بعد، پوتین خون گرفته‌ای، پیدا شد، بیشتر کندیم....

نامرد دشمن، چهل و هشت شهید مظلوم بسیجی را یک جا روی هم دفن کرده بودند.

*نویسنده: غلامعلی نسائی